



## درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۰۸

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

## محتویات

- ۱- حدیث اخلاقی
- ۲- عصاره جلسه گذشته
- ۳- برخی آیات در اثبات مراقبت
- ۴- برخی روایات در لزوم رعایت بهداشت
- ۵- قواعدی که ضمان در بیماری را اثبات می کند
- ۶- تراحم بین احکام

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /تراحم بین احکام در

بیماری

## ۱- حدیث اخلاقی

عن الصادق علیه السلام قال: ولایتی لعلی بن ابي طالب علیه السلام أحب إلي من ولادتي منه ، لان ولایتی لعلی بن ابي طالب فرض ، وولادتي منه فضل. [۱]

این روایت با موضوع ما که استحباب و وجوب را بحث می کنیم مرتبط است.

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

فرمودند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام برای من دوست داشتنی‌تر از ولادت من از ایشان است. بعد فلسفه این را فرمودند چرا که ولایت ایشان برای من فریضه است ولی ولادت من از ایشان فضیلت است. در مقایسه فریضه و فضیلت، وجوب مقدم است. مبنای ما در آیات قرآن تمثیلی است الا ما خرج بالدلیل.

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [۲]

حصر ولایت در ولایت خدا، رسول و امیر المؤمنین علیه السلام شده است. از مواردی که حصر است، اینجا است. [۳] گرچه به فرمودند هرکجا الذین آمنوا باشد امیرالمؤمنین علیه السلام است: لا خاطب الله الذین آمنوا إلا بدأ به. [۴]

ما گرچه سببی و نسبی متصل به برخی بزرگان و ائمه علیهم السلام هستیم، باید بکوشیم جنبه ولایت ما قوی‌تر باشد. فریضت مهم‌تر از فضیلت است.

می‌توانیم معیاری استفاده کنیم که هرکجا تراحمی بین وجوب و استحباب شد امر ایجابی مقدم است.

## ۲- عصاره جلسه گذشته

در مراقبت‌های ویژه از بیماری خاص و بیماری کرونا که مراقبت‌هایی انجام می‌شود و دستورهای داده می‌شود، رعایت مراقبت واجب و تخلف حرام است. تخلف از این دستورهای پزشکی ضمان‌آور است. ضمان هم فقط در بخش صدمه دیده نیست. هم درمان و علاج و هم توابعی که مترتب بر آن است. اگر کسی به خاطر عدم مراقبت شخصی یا گروهی مبتلا شد، حق الناس شاملش می‌شود.

## ۳- برخی آیات در اثبات مراقبت

آیا این بحث مبنای قرآنی و روایی دارد؟ بله دارد ابتدا آیات مورد استناد را می‌گوییم:

دو عنوان مورد محبت حضرت حق هستند مانند حدیث فوق از امام صادق علیه السلام.

یکی توابین و دیگری متطهرین

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [۵]

متطهر پاکی است. پاکی ای که اعم از جسمی و روحی است. هم ظاهر و هم باطن را می گیرد. مطلوب باری تعالی است و مأمور به رعایت هستیم چرا که مشروعیت دارد و مطلوبیت.

﴿و ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ [۶]

به شخصیتی مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور می دهد که لباس را پاک کن. این هم دلیل بر لزوم رعایت بهداشت است.

﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾

[۷]

بیماری مسری اگر سرایت کند مصداق اثم و عدوان است. عرب ها سرایت را عدوی می گویند. تعاون عمومی می گوید نباید به حقوق دیگران تعدی کرد.

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ [۸]

برای ملاقات فرشتگان باید پاک باشد.

#### ۴- برخی روایات در لزوم رعایت بهداشت

روایات زیادی که داریم که به نظافت تأکید شده است:

نظافت به ایمان می خواند و ایمان با صاحبش در بهشت است. از این بهتر نمی شود.

اسلام منتفر است از کسانی که در غیر مریضی هم نظافت را رعایت نمی کنند. بویژه اگر بیماری ای بیاید که درمانش رعایت نظافت است.

به مبنای ما وجوب کفایی نیست بلکه وجوب عینی است. مطلوبیت نظافت دو چندان می شود. نظافت واجب شرعی می شود

و تخلفش حرام.

روایتی طولانی است که فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام که خصلت‌های مهمی برای موفقیت دنیا و آخرت انسان بیان می‌کنند:

– **تنظفوا بالماء من الريح المتنن الذي يتأدي به وتعهدوا أنفسكم فان الله ييغض من عباده القاذورة الذي يتأنف به من جلس إليه.**

[۹]

اگر فقط همین روایت را می‌داشتیم بس بود. اسلام به عنوان دینی که طبابت و نجات انسانیت در آن هست توصیه کرده‌اند.

همواره خود را با آب شستشو بدهید. توصیه پزشک‌ها در روایات هست. از چیزهای بدبو خود را بشویید. از میکروب‌ها خود را بشویید. از بوهای بدی که باعث اذیت می‌شود. ویروس کرونا از مصادیق ریح متنن است. خودتان را متعهد به این کار بدانید. فلسفه‌اش را هم بیان کردند. خداوند از افراد کثیف بدش می‌آید که وقتی کسی به او می‌رسد متنفر است.

ما مأمور هستیم در برابر امور نامطبوع شامه‌ای مراقبت داشته باشیم.

اگر ادکلن بدبویی رواج یافت یا کسی به کار برد و این بوی ادکلن عده‌ای را اذیت و آزار کرد می‌توانیم جزو قاذورات بدانیم و مراقبت کنیم؟ بعید نیست.

اگر دستور پزشکی به رعایت و پرهیز از محیط آلوده است با آیات و روایات می‌توانیم فتوا دهیم.

صحیح‌ه حلبی روایت دیگری است که قابل افتا است:

– **محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله عن الشيء يوضع على الطريق فتمر الدابة فتنفر بصاحبها**

فتعقره، کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه.

[۱۰]

این روایت موجه کلیه است. این حرمت ایجاد کردن ترافیک است. ضامن وقت کسانی است که معطل شده‌اند.

اگر شب مأمورین نظافت شهرداری، گفتند زباله‌ها را روز نگذارید بلکه شب بگذارید، در صورتی که باعث سرایت و اذیت دیگران شود ضمانت‌آور است.

#### ۵- قواعدی که ضمان در بیماری را اثبات می‌کند

(۱) دلیل عمده مسأله از آیه شریفه ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [۱۱] وجوب حفظ نفس است. این قاعده وجوب حفظ نفس، حاکم بر اکثر قواعد و احکام فقهی است.

(۲) قاعده لاضرر را هم عرض کردیم.

(۳) قاعده دیگری که تنها اشاره کردیم قاعده تعاون است.

(۴) قاعده رعایت نظافت هم همین را می‌گوید.

(۵) بحث ضمان را هم مطرح کردیم به مباشرت و یا تسبیب.

همه می‌گویند تجاوز به نفوس مردم به هر راهی که باشد از نظر شرعی مسدود است و نا مطلوب است.

هرچه که در حفظ نفوس مردم باشد مطلوبیت دارد. ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ [۱۲] کسی که یک نفر را زنده کند گویا همه را زنده کرده است و کسی که کسی را بکشد گویا همه را کشته است.

#### ۶- تراحم بین احکام

اگر روزی بین مسائل مستحدثه‌ای مانند بیماری‌های خاص همانند کرونا و بین برخی واجبات یا محرمات یا به طور مطلق برخی احکام ناسازگاری رخ داد، باید چه کنیم؟

در مقام جعل یا امثال نتوانستیم بین ادله و مفاد آن جمع کنیم، باید چه کرد؟

بین احکام شرعی متداول و مسائل مستحدثه وظیفه چیست؟  
قاعده عسر و حرج، لا ضرر، تعاون، طهارت و ضمان همه مؤید این است که باید رعایت خیلی از مسائل را داشته باشیم. اگر تراحمی رخ داد باید چه کنیم؟

یکی از این تراحم‌ها با نماز و طهارت بود که گفتیم.  
اما با حج یا حفظ شعائر چه نسبتی دارد.  
یکی از مباحث مهم اصول تعادل و ترجیح است. به اشتباه می‌نویسند ترجیح که چنین جمعی نداریم. درست آن تعادل و ترجیح است.

بحث تعارض و تراحم در این مبحث طرح می‌شود.  
باید اشاره به مبانی اصولی داشته باشیم تا مورد تراحم خوب معلوم شود.

تراحم و تعارض در اصل تنافی با هم شریک هستند ولی تفاوت‌هایی دارند. تنافی یعنی ناسازگاری داشتن که نتوانیم بین ادله جمع کنیم. تنافی بین دو دلیل یا مفاد دو دلیل.

تراحم تنافی در مقام امثال است. تعارض تنافی دو دلیل یا دو خبر است که یکی مقتضای دیگری را نفی کند. مثلاً یکی می‌گوید نماز جمعه واجب است و دیگری می‌گوید واجب نیست.

### تفاوت تراحم و تعارض

تراحم و تعارض در اینکه هر دو عدم امکان اجتماع دو حکم است ولی اختلافات در جهاتی دارند:

۱) تعارض معمولاً حالت و وضعیت دو دلیل نسبت به یکدیگر است. مانند دلیل وجوب و عدم وجوب نماز جمعه.

تراحم حالت دو حکم در برابر یکدیگر است. انقاذ غریق واجب است ولی نمی‌داند کدام را نجات دهد در دو غریق. بین دو حکم

است نه دو دلیل. تراحم در حکم بیشتر در مقام امثال است.

۲) فرق دیگر اینکه تعارض، تنافی دو دلیل در مرحله تشریع و قانون‌گذاری است. در مقام جعل و صدور از مولا است. ولی تراحم ناسازگاری دو حکم در مرحله اجرای قانون و تشریع است. ما شک نداریم که آیا این است یا آن است. در اجرای مصادیق شک داریم.

مرحوم مظفر از شاگردان برجسته مرحوم آقای خوئی و مرحوم نائینی بودند. [۱۳] ایشان می‌فرمایند:

فانه في التعارض من جهة التشريع فيتكاذب الدليلان، وفي التراحم من جهة الامثال فلا يتكاذبان. [۱۴]

خیلی خوب بیان فرموده‌اند.

تراحم در مقام اجزا نمی‌تواند بین دو دستور جمع کند. ما به بحث تعارض کاری نداریم. از موضوع بحث فقهی ما خارج است. دستور مراقبت بهداشتی آمده است یا قرنطینه شهری یا کشوری درباره کرونا یا بیماری مسری و در مقام اجرای این دستور اگر حضور در نماز جمعه داشته باشیم نقض می‌شود. تعظیم شعائر کنیم یا خیر؟ نماز جماعت اقامه کنیم یا خیر؟ شک در اصل مشروعیت نیست در اجرای این دستور با توجه به تنافی با دستور دیگر.

قبلا در مباحث خارج اصول گفته‌ایم ولی باید تکرار کنیم.

برخی تراحم را در پنج قسم برخی چهار و برخی در سه قسم می‌دانند. ما حصر را استقرائی می‌دانیم نه عقلی. با توجه به امکان تداخل برخی از آن اقسام ما سه قسم را قائل هستیم:

۱) تراحم بین دو واجب: مانند انقاذ غریق که باید دو نفر را نجات دهد ولی فقط یکی را می‌تواند. یا بین طهارت مسجد و اقامه نماز تراحم رخ داده است. ازل النجاسة عن المجسد مقدم است یا اقم الصلاة.

۲) تراحم بین دو حرام: ظالمی یا مکرّهی می‌گوید یا قتل نفس داشته باش یا شرب خمر. یا مجبور بین دو حرام است. اضطرار، اکراه یا اجبار است با تفاوت‌هایی که دارند.

۳) تراحم بین واجب و حرام: بین حکمی وجوبی و نهی تحریمی کدام باید انجام شود. مثل اینکه حفظ اسلام واجب است و یا در ما نحن فیه حفظ نفس و از سویی لزوم شنیدن غیبت. اگر در اینجا نماز بخوانیم حرامی هم مرتکب می‌شویم. مانند نماز در زمین غصبی.

همین سه قسم بیان شود کافی است. تراحم بین مستحباب هم هست. چون دلیل دارد و اهم و مهم آنجا جاری است.

بحث دیگری که مهم است این است که تراحم راه تشخیص و راه برون‌رفت از تراحم چه است؟ بین متزاحمین اگر امر دایر شد کدام را باید انتخاب کرد؟ در همه این سه قسم.

در ما نحن فیه که بحث کرونا است، دستورات پزشکی منافات با برخی مراقبت‌های دینی دارد. دستورات پزشکی را هم دینی دانستیم. وجوب حج و نماز و مانند آن چه نسبتی دستورهای پزشکی دارد؟

---

[۱] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۳۹، ص ۲۹۹.

[۲] مائده/سوره ۵، آیه ۵۵.

[۳] <http://wikifeqh.ir>/امام علی علیه السلام در قرآن.

[۴] التحصين، السيد بن طاووس، ج ۱، ص ۵۸۴.

[۵] بقره/سوره ۲، آیه ۲۲۲.

[۶] مدثر/سوره ۷۴، آیه ۴.

[۷] مائده/سوره ۵، آیه ۲.

[۸] واقعه/سوره ۵۶، آیه ۷۹.

[۹] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۷۶، ص ۸۴.

[۱۰] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۱۸۱، أبواب موجبات الضمان، باب ۹، ح ۱، ط الإسلامية.

[۱۱] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[۱۲] مائده/سوره ۵، آیه ۳۲.

[۱۳] در جنوب شرقی نجف اشرف و در محله براق، منزل آیه الله شیخ محمد رضا مظفر واقع بود، پنج ماه پس از درگذشت شیخ، در پنجم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری آخرین یادگار آن مرد حق دیده به جهان گشود و «محمد رضا» نامیده شد. مادر محمد رضا دختر علامه شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۳ ق.) است و او در دامان آن زن با فضیلت و با سرپرستی برادر بزرگش شیخ عبدالنبی مظفر (۱۲۹۱-۱۳۳۷ ق.) رشد کرد. پس از درگذشت شیخ عبدالنبی برادر دیگرش شیخ محمد حسن (۱۳۰۱-۱۳۷۵ ق.) سرپرستی او را به عهده گرفت و راهنمای زندگی اش گردید. محمد رضا از خاندان علمی و ادبی بنام و معروف شیعی موسوم به «آل مظفر» برخاسته است. این خاندان از نیمه سده دوازده قمری در حوزه نجف شناخته شد و چهره‌های نامدار و متفکر آن در عرصه‌های متعدد و رشته‌های متنوع علوم اسلامی درخشید و شعاع پرتو نورشان گستره مراکز علمی تحقیقی شیعه و غیر آن را درنوردید. <http://wikifeqh.ir>.

[۱۴] أصول الفقه - ط دفتر تبلیغات اسلامی، المظفر، الشيخ محمد رضا، ج ۲، ص ۱۸۸.



